

خوشحالی ناتمام ایران در افغانستان

فهمی هویدی - مضمونی از شرق الاوسط

امنیتی و تشکیلاتی آشکاری با آمریکا داشته باشند. پاسخ آمریکا، تهران را خشمگین کرد. ایران دو راه پیش روی داشت یا می بایست پاسخ دهد و یا به همکاری تن دهد که ایران راه نخست را برگزید و پاسخ منفی داد.

ایران نیرومندان در کنار ائتلاف شمال افغانستان ایستاد

فهمی هویدی می نویسد: ایران، در زمینه های ادبی و سیاسی و مالی و نظامی از ائتلاف شمال پشتیبانی می کرد. هنگام دیداری که اخیراً از تهران داشتم، ابعاد پشتیبانی ایران از ائتلاف شمال بر من آشکار شد؛ زیرا ایرانیان دیگر آنچه را در طول سال های گذشته پنهان می کردند، آشکارا بر زبان می آوردند. چند تن [از ایرانیان] از تلاش های کارشناسان نظامی ایران در نبردهای اخیر سخن گفتند و فاش کردند که آن ها در برنامه ریزی عملیات نظامی شرکت کرده اند. ایرانیان، قبلاً در آموزش نیروهای ائتلاف شمال دست داشتند و افزون بر آن شماری از شیعیان هزاره، به طور خاص، در پادگان های سپاه پاسداران ایران آموزش دیده بودند. که این عده با نیروهایی که پس از عقب نشینی طالبان از کابل وارد این شهر شدند، همراه بودند.

ژنرال محمد فهیم وزیر دفاع کنونی حکومت کابل، و مرد دوم- پس از احمدشاه مسعود (فرمانده نظامی معروف که در ۸۰/۹/۷ ترور شد)- مسؤول هماهنگی نظامی با ایران بود؛ و از این رو در طول دو سال اخیر به طور منظم ولی غیر علنی از تهران دیدار می کرد؛ و تا آن جا که می دانم وی هنوز مسؤول پرونده ایران [در حکومت افغانستان] است.

منبع موثقی که به اطلاعات او از آنچه در پشت پرده ها در تهران می گذرد، اطمینان دارم، به من گفت که عقب نشینی ناگهانی و شتابزده نیروهای طالبان از کابل، پیشنهاد I.S.I سازمان اطلاعات پاکستان بود. این سازمان، در آن هنگام، بر آن شد که این نیروها را به صورت موقت (تاکتیکی) از پایتخت واپس نشاند تا فرصتی برای تشکیل حکومتی دیگر از هم پیمانان پاکستان فراهم گردد و راه را بر نیروهای در حال پیشرفت ائتلاف شمال ببندد، و جهان گمان کند که نظام تازه ای در پایتخت بنیادگذاری شده است. این اندیشه هنگامی شکل گرفت که فرماندهی آمریکایی از نیروهای ائتلاف شمال خواست تا بیرون از کابل بماند و در وارد شدن بدان شتاب نکند، مبادا درگیری خونی در پایتخت روی دهد و غیر نظامیان قربانیان آن گردند. ولی این، کارشناسان نظامی ایران (که در میدان حضور داشتند) بودند که به نیروهای ائتلاف شمال پند دادند که به

فهمی هویدی روزنامه نگار مصری می گوید

از برخورد مستقیم با ایرانیان نتیجه گرفته که ایران به سه دلیل با حکومت طالبان در افغانستان مخالفت جدی داشته است:
الف- جمود طالبان و نمای بد و نامطلوبی که از اسلام ارائه می داد.

ب- تعصب و عملیات طالبان علیه شیعیان هزاره که به شیوه های گوناگون آن ها را حذف و یا به قتل رساندند.

ج- دشمنی نظام طالبان با ایران و درگیری مستمر و حتی کشتن دیپلمات های ایران در مزار شریف.

از آن جا که در نهایت منافع ملی است که برای ایرانیان اهمیت داشته و تعیین کننده است لذا با توجه به موضع راهبردی ایران در برابر ارمنستان و آذربایجان به این نتیجه می رسیم که بند ج از دلایل سه گانه فوق، مهم ترین عامل ارزیابی است.

ایران و فرصتی که مغفتم شمرد

فهمی هویدی معتقد است که ایران بعد از حادثه یازده سپتامبر فرصت را مغفتم شمرد. آقای خاتمی بلافاصله نفس عملیات تروریستی و سپس مرتکبین آن اعمال را محکوم نموده و در نهایت خواستار همبستگی جهانی برای مبارزه با تروریسم شد.

آقای خاتمی مطمئن بود که ایران و دوستان ایران نظیر حزب الله لبنان و فلسطینی ها در این عملیات دست نداشته اند. این محکومیت فضای مناسبی برای دیپلماسی فعال ایران به وجود آورد که به اختصار به آن اشاره می شود:

حمایت کشورهای عضو اتحادیه اروپا - رهنمود ایران برای عدم شادمانی و حذف مرگ بر آمریکا از شعارها - سفر وزیر خارجه بریتانیا پس از ۲۰ سال - تلاش مجلس ایران برای بازگشت به مجامع بین المللی و استفاده از فرصتها - فعال کردن ائتلاف با نیروهای شمال افغانستان اعم از هزاره، تاجیک و ازبک.

پاسخ آمریکا، ایران را خشمگین کرد

فهمی هویدی می نویسد اما پاسخ واشنگتن چنین بود: آن هایی که با ملت آمریکا همدردی کردند نباید منتظر پاداش باشند بلکه باید پرونده های خود را بگشایند و اطلاعات خود را ارائه نمایند. یعنی همکاری

شتاب وارد کابل شوند و وضعیت جدید را در آن جا [به سود خود] تثبیت کنند، پیش از آن که طرف دیگری خلأی را که پدید آمده بود، پر کند و بدین ترتیب برنامه دستگاه‌های اطلاعاتی پاکستان را با شکست روبه‌رو کرد.

شادی کامل

ایرانیان سقوط کابل و پیروزی نیروهای ائتلاف شمال را موفقیتی برای خود نیز دانستند. که ضمناً پیروزی نیروی هم پیمانان یا به اصطلاح حمله بین‌المللی علیه تروریسم به حساب می‌آمد از این رو بود که در محافل طبقه حاکم شادی و شوری پدید آمد که هرکس لحن سیاسی ایران را در مدت اخیر پیگیری کرده باشد، آن را احساس می‌کند. تهران دریافت که با این رویداد بیش از یک امتیاز را به دست آورده است.

از یک سو، مشارکت در سرنوشتی نظام طالبان مشارکتی فعالانه بود؛ و از آن گذشته، تهران بر آن شد که این دستاورد تبدیل به نقشی کانونی گردد و به گشوده شدن درهای سرمایه‌گذاری به روی بخش خصوصی ایرانی بیانجامد، تا بتواند به شکل گسترده‌ای در آبادسازی افغانستان که تقریباً همه چیز در آن ویران است، شرکت کند. مشارکتی که می‌تواند بخش خصوصی را که در درون ایران با رکود روبه‌روست، شکوفا سازد. برای بهره‌برداری از این فرصت، ایران به برگزاری نشست‌های در زمینه توسعه و بازسازی افغانستان پرداخت که در آن چندین سازمان جهانی شرکت کردند و نمایندگان حکومت

افغانستان و نمایندگان پنجاه شرکت ایرانی وابسته به بخش خصوصی در آن حضور یافتند؛ و پس از چند روز، یک هیأت شاخص ایرانی که شامل سی و دو معاون وزیر بود، برای بررسی همه امور مربوط به بازسازی افغانستان از کابل دیدار کرد. تهران، حقوق شش ماه آینده استادان دانشگاه کابل را که حکومت جدید از تأمین آن عاجز بود پرداخت نمود؛ و برای راه‌اندازی پخش تلویزیونی کمک‌های فنی کرد و آشکار شد که تهران با همه نیرو و توان خود رو به سوی افغانستان نهاده است، بدان سان که واشنگتن را خوش نیامد و جو شادمانی ایران را آشفته کرد.

نگرانی جدید

واشنگتن به شیوه‌های گوناگونی از ناخرسندی خود در این زمینه پرده برداشت که آخرین آن بیانات زالمای خلیل‌زاد نماینده اعزامی آمریکا به

افغانستان بود، که رادیو بریتانیا آن را در روز ۱۹ ژانویه نقل کرد. خلیل‌زاد به حکومت ایران در مورد هرگونه دخالت در امور افغانستان هشدار داد و گفت که واشنگتن براین باور است که تهران در افغانستان دست به توطئه

می‌زند؛ زیرا به گروه‌های بومی پول داده و بدون آگاهی حکومت کابل آن‌ها را مسلح نموده است (منظور هزاره شیعه است). نماینده آمریکا از این نیز فراتر رفت و در زمینه دیگری بر ایران فشار آورد. وی گفت که ایران برخی اعضای فراری سازمان القاعده را پناه داده است؛ و این زمینه‌ای است برای طرح دوباره اتهام تهران در حمایت از تروریسم از طریق پناه دادن به عناصر تروریست.

شادمانی ایرانیان از سقوط طالبان و از احتمال بازگشایی صفحه جدیدی در روابط میان ایران و آمریکا، که پرونده گذشته‌ها را ببندد، کامل نشد.

ایران هم‌چنان به سه دلیل نگران می‌ماند: نخست، به دلیل شایعه احتمال کوبیدن عراق، پس از افغانستان، زیرا ایران با این کار به شدت مخالف است، چون می‌داند به دلیل لزوم حمایت از اکثریت شیعه عراق باید در کنار عراق بایستد و از بی‌طرفی دست بکشد. دلیل دوم این است که احتمال ماندن نیروهای آمریکایی در افغانستان و با ایجاد پایگاه‌هایی که آمریکا می‌خواهد در همسایگی ایران، در جمهوری‌های آسیای میانه برپا کند، ایران را ناخرسند و تلخ‌کام می‌کند؛ زیرا ایران انتظار نداشت یا آرزو نمی‌کرد که با نیروهای ائتلاف شمال در کار سرنوشت کردن نظام طالبان شرکت کند، و نتیجه آن باشد که نیروهای

آمریکایی برای یک اقامت طولانی مدت به منطقه بیایند. علت سومی که ایرانیان آن را پنهان می‌دارند، ناخرسندی آن‌ها از اصرار آمریکا به بازگشت شاه سابق، محمد ظاهر به افغانستان، پس از بیست و هشت سال غیبت است. زیرا بازگشت وی سابقه‌ای می‌شود که رضایه‌پلوی فرزند شاه سابق ایران و اطرافیان وی را به تلاش برای تکرار این آزمون و تحقق بخشیدن به رؤیای خود در بازگشت پسر بر تخت پدر، که بیست و دو سال است آن را از دست داده، تشویق می‌کند و بدین دلایل این شادمانی ایران است که هیچ‌گاه کامل نشده است.

ژنرال محمد فهیم وزیر دفاع

کنونی حکومت کابل، و

مرد شماره دو ائتلاف شمال -

پس از احمد شاه مسعود

مسؤل هماهنگی نظامی

با ایران بود. وی در طول

دو سال اخیر به طور منظم

ولی غیر علنی از تهران دیدار

کرده است و به نظر می‌رسد

هنوز مسؤل پرونده ایران

[در حکومت افغانستان]

است

عقب نشینی ناگهانی و

شتابزده نیروهای طالبان از

کابل، پیشنهاد I.S.I سازمان

اطلاعات پاکستان

بود